

مقدمه

بررسی تحولات سیاسی و اجتماعی خلیج فارس و کشورهای همجوار آن از پیچیدگی و دشواری خاصی برخوردار است، زیرا این آبراه کم‌عمق در مرکز خاورمیانه قرار گرفته که در طی تاریخ سابقه و اهمیت بسیاری داشته و به نوبه خود کانون حوادث و رویدادهای تاریخ بشری از دیرباز تاکنون بوده است. از سوی دیگر محیط پیرامونی آن را نیز مناطق مهم و حادثه‌خیزی همچون بین‌النهرین، فلات ایران و شبه‌جزیره عربستان دربر گرفته است. از این رو رویدادهای سیاسی و اجتماعی این سه منطقه مهم، در اوضاع سیاسی و اجتماعی خلیج فارس تأثیر بسیاری بر جای گذاشته است و به همان نسبت تغییرات و دگرگونیهای این آبراه نیز بر وضعیت سیاسی مناطق سه‌گانه پس‌کرانه‌ای‌اش تأثیرگذار بوده است. به عبارتی ساده‌تر باید گفت که بدون در نظر گرفتن موقعیت سیاسی و اقتصادی خلیج فارس، درک درستی از ماهیت تحولات کشورهای همجوار آن در فلات ایران، بین‌النهرین و شبه‌جزیره عربستان به دست نخواهد آمد. شاید به دلیل همین ویژگی بتوان «خلیج فارس و کشورهای همجوار» آن را «منطقه ژئوپلیتیکی» واحدی به حساب آورد.

بررسی تاریخ خلیج فارس درحقیقت به معنای مروری بر تاریخ تمدنهای بین‌النهرین (سومر و اکد و آشور و بابل)، فلات ایران (ایلام - ایران باستان و اسلامی)، شبه‌جزیره عربستان (تاریخ قبل و بعد از پیدایش اسلام و عصر خلافت اموی و عباسی) و آسیای صغیر (امپراتوری عثمانی) است. از سوی دیگر به دلیل حضور چشمگیر و مؤثر استعمارگران در خلیج فارس باید آگاهی مختصر از تاریخ تحولات سیاسی کشورهای پرتغال، انگلستان، هلند، فرانسه، روسیه و امریکا را نیز بدان افزود. از این منظر می‌توان گفت که تاریخ خلیج فارس درواقع چکیده و

خلاصه رویدادهای مهم تاریخ بشری به ویژه در شرق نزدیک محسوب می شود و پیوندی ناگسستنی با حوادث نواحی پس کرانه ای دارد. عوامل و دلایل شکل گیری هر رویدادی در این منطقه را باید در سه دایره هم مرکز تحولات «محلی»، «منطقه ای» و «جهانی» جستجو کرد و پیوندها و ارتباطات پیدا و پنهان آن را از درون حوادث متنوع و گوناگون تاریخی پیدا نمود. به عبارت ساده تر حوادث تاریخی خلیج فارس بر ایند تحولات و تغییرات و دگرگونیهایی است که در سه دایره «محلی» و «منطقه ای» و «جهانی» روی داده اند. تأثیر و تأثر این تحولات موجب شکل گیری حوادث در خلیج فارس شده است.

بدون در نظر گرفتن پیوندهای این تحولات، امکان دستیابی به علل و عوامل شکل گیری حوادث کنونی میسر نخواهد بود و از این رو می توان گفت که کیفیت رویدادهای خلیج فارس از فرایندی پیچیده و دشوار برخوردار است. اگر بخواهیم در طول تاریخ این منطقه سهمی برای هر یک از این دایره های هم مرکز قائل شویم باید بیفزاییم که هر چه از تاریخ قدیم به سمت تحولات معاصر حرکت کنیم تأثیرات دو دایره منطقه ای و جهانی در تحولات کنونی خلیج فارس بیشتر می شود. به این ترتیب در بررسی تاریخ تحولات خلیج فارس از قدیم ترین ایام تا عصر حاضر، حوادث از شکل ساده و تک بعدی خود به ماهیتی پیچیده و چند بعدی تبدیل می گردد و از این منظر تبیین حوادث خلیج فارس در قرون معاصر مشکل تر از رویدادهای دوره قدیم خواهد بود و به همین نسبت محقق باید به تدریج با وارد شدن به صحنه های جدیدتر ذهن خود را آماده پذیرش پیوندها و ارتباطات بین رویدادهای جهانی و منطقه ای و محلی نماید تا بتواند از «بیرون تاریخ» به درون حوادث و منشأ و عوامل و دلایل آن سیر کند. از دید روش شناختی نیز رویدادهای خلیج فارس می تواند مورد توجه خاص محققین قرار گیرد و از تحولات آن به عنوان یک نمونه عینی برای دریافتهای ادراکی پیچیده و چند بعدی جامعه شناختی استفاده نمایند.

تذکر مطالب بالا در مقدمه کتاب از این نظر ضروری به نظر می رسد که بدانیم با همه اهمیت که رویدادهای این منطقه مهم در طول تاریخ ایران داشته است،

مطالعات خلیج فارس در کشور ما تنها از چند دهه پیش آغاز شده و هنوز مطالعه‌ای جامع و تاریخی درباره آن به انجام نرسیده است. آنچه تاکنون در ایران منتشر شده در حوزه تحقیقات علوم سیاسی و اجتماعی صورت پذیرفته که نقص عمده آنها کم توجهی به بررسی ریشه‌های تاریخی رویدادها و پیوندهای آن است، به عبارت دیگر بسیاری از تحلیلها و تبیینها در این دسته از پژوهشها به دلیل عدم شناخت کامل از روند شکل‌گیری حوادث، کامل و جامع نبوده و نتوانسته است به خوبی وضعیت تحولات این منطقه را نشان دهد. عامل عمده شکل‌گیری این نقیصه بی‌توجهی پژوهشگران حوزه خلیج فارس به مطالعه تاریخی و بازسازی منطقی رویدادها بر اساس منابع اصلی است. البته نباید از کوششها و تلاشهای بی‌دریغ استادانی همچون عباس اقبال، جهانگیر قائم‌مقامی، احمد فرامرزی، صادق نشأت و بسیاری دیگر از مورخان ایرانی غافل ماند؛ اما نوشته‌های آنان عمدتاً حوادث و رویدادهای خلیج فارس تا اوایل قرن بیستم را شامل می‌شود. این امر در حالی است که مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی بسیاری طی چند دهه اخیر در کشورهای منطقه، اروپا و آمریکا به وجود آمده که با سرمایه‌گذاری شایسته به بررسی و پژوهشهای خاص درباره خلیج فارس و کشورهای همجوار آن پرداخته و کتب و مقالات متعددی را در این مورد به چاپ رسانده‌اند.

از این رو بسیاری از دانشجویان و محققین ایرانی ناگزیر به استفاده از این گونه نوشته‌های خارجی شده‌اند که نقص عمده آنها بررسی تاریخ خلیج فارس از نگاه بیرونی است و توجه کمتری به منابع عربی و به‌ویژه فارسی نشان داده‌اند. کتابها و مقالات منتشر شده تا این ایام، بیشتر از اسناد و مدارک انگلیسی برای بازسازی رویدادها و حوادث استفاده کرده‌اند. با توجه به اینکه استفاده از این گونه اسناد نیازمند تجزیه و تحلیل کامل و بازشناسی صحت و سقم داده‌های آن است، از این رو می‌توان گفت که بسیاری از این نوشته‌ها و تحلیلها بر پایه‌ها و منابعی استوار شده که به طور کامل مورد ارزیابی دقیق قرار نگرفته‌اند. از طرف دیگر واضح است که بخش عمده‌ای از اسناد آرشیوی انگلستان به قصد تحکیم و تثبیت این قدرت استعماری تنظیم و تدوین شده است و از این رو استفاده از آنها در تحلیلهای تاریخی

بدون مقابله و تطبیق آن با اسناد غیرانگلیسی می‌تواند گمراه‌کننده باشد. نمونه بارز و آشکار این گونه کتب که بر پایه اسناد انگلیسی نوشته شده در آثار «لوریمر» و «ویلسون» و به نسبت کمتر در نوشته‌های «جی. بی. کلی» مشاهده می‌شود. این مورخین در بسیاری از موارد نقش اصلی خود را به عنوان مأمورین عالی‌رتبه دستگاه دیپلماسی استعماری در آثارشان نشان داده‌اند و بدون توجه به حقایق آشکار تاریخی درصدد القای مفاهیم خاصی برآمده‌اند. بسیاری از محققین ایرانی در چند دهه گذشته به شدت تحت تأثیر نوشته‌های مورخین نامبرده قرار داشته و ناخودآگاه بسیاری از حقایق تاریخی را نادیده انگاشته و در تحلیلهای خود دچار کاستی شده‌اند. با توجه به آنچه ذکر شد و از آنجا که کتاب حاضر به عنوان منبع درسی دانشجویان رشته تاریخ دانشگاه مورد استفاده قرار خواهد گرفت، در تدوین و تنظیم آن نکاتی چند مورد توجه بوده است که آگاهی از آنها می‌تواند در بررسی جزئیات محتوایی تاریخ خلیج فارس و کشورهای همجوار راهگشا باشد.

۱. این کتاب برای دانشجویانی نوشته شده که آگاهی کلی و نسبی از مفاهیم اولیه و اساسی تاریخ ایران داشته باشند. از این رو در متن کتاب، توضیحی درباره مفاهیم تاریخی و مقاطع مهم آن داده نشده است، با این پیش‌فرض که خواننده اصلی آن دانشجویانی هستند که فرازهای مهم تاریخ ایران را به عنوان واحدهای درسی خود گذرانده‌اند.

۲. بررسی برخی از مقاطع تاریخی که آگاهی و اطلاع به زبان فارسی درباره آن کمتر است با تفصیل بیشتری صورت پذیرفته است.

۳. تاریخهای ذکر شده در متن تا اوایل قرن چهاردهم هجری با تاریخ قمری و از آن پس تاریخ خورشیدی است.

۴. با توجه به پیوندهای ناگسستنی رویدادهای خلیج فارس، تاریخ کشورهای همجوار آن به طور مستقل نیامده، بلکه در طول حوادث مختلف و در یک روند عمومی و کلی به تحولات عمده کشورهای همجوار پرداخته شده است تا به این ترتیب پیوستگی حوادث و نظم منطقی آنها حفظ شود.

۵. از آنجا که مطالعه مستقلی به زبان فارسی درباره سیر تاریخی حوادث و رویدادهای متنوع خلیج فارس انجام پذیرفته در این کتاب سعی شده است که پیش از هر گونه تحلیل و تبیین، با استفاده از منابع عمدتاً محلی و بومی، به بازسازی رویدادها توجه شود. از این رو بخش عمده‌ای از حجم کتاب به سیر حوادث تاریخی به ترتیب سال‌شمار آن اختصاص یافته است.

۶. تقسیم بندی ادواری تحولات خلیج فارس بر اساس رویدادهای مهم ایران صورت پذیرفته است. به عبارت دیگر اساس طبقه‌بندی رویدادها و حوادث خلیج فارس بر محور تحولات ایران گذاشته شده است.

۷. تا آنجا که ممکن بوده از منابع فارسی و عربی استفاده شده و در ارجاعات، مشخصات کامل آنها قید شده تا دانشجویان بتوانند در صورت نیاز و برای آگاهی بیشتر از رویدادها و حوادث به آن مراجعه نمایند.

۸. رویدادها و حوادث پس از جنگ جهانی دوم به اختصار مورد بررسی قرار گرفته است زیرا این تحولات در دروس دانشگاهی دیگر و از آن جمله در واحدهای درسی «نفت و خاورمیانه» و «تاریخ تحولات سیاسی خاورمیانه» و «تاریخ تحولات ایران معاصر» به طور کامل مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

در پایان بر خود لازم می‌دانم از راهنمایان بی‌دریغ و عالمانه استاد دکتر غلامحسین زرگری‌نژاد تشکر و قدردانی نمایم. امیدوارم که این کتاب زمینه علاقه‌مندی هر چه بیشتر دانشجویان به «تاریخ خلیج فارس و کشورهای هم‌جوار» را فراهم آورد.